

کتابتیں

ISSN : 2228-5679

فتروا على السج الخالى الفصه الفاصل للكر الالهه الرابع المحسن المدين على
على المكر والدين حقيقه ابرهه في الاسر اياك في الدار المدينه وسيد
مداهل ملكا على دخطه ومدا الى كماله سراج كماله مساطر الكمال في العلم
ويعتبر سخا الخالى الاعلى السعيد في المسكن في العلم حقيقه
قدس في الروح وسيد صرح في المدينه مداح في الروايه قدس
وعلى ريعه في السج السعيد في المدينه ريعه في المدينه وكذا
او في دواحه في المسكن قدس في الروايه في الطوبى المنفرد
الهم في المدينه في المسكن حقيقه في المدينه في المدينه
كان في المدينه في المدينه في المدينه في المدينه

ابراهیم بن حکم بن ظهیر ❖ جایگاه علمی اجتماعی ابن نخلد، از اساتید سنی مذهب شیخ طوسی ❖ حقیقه ایمان شهید ثانی یا ایضاح
البیان زین الدین بن محسن عاملی ❖ چگونگی مرجعیت و نشر فتاوی شیخ اعظم انصاری ❖ حاج شیخ جعفر شوشتری ❖ دکتر سید محمد
علی شهرستانی ❖ زندگی نامه های خودنوشت شیخ حسین واعظ شوشتری، محمد تقی نیرتیری، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ محمد غروی
سندی از حدود هشتاد سال پیش راجع به تحول در حوزه نجف اشرف ❖ پنج نامه منتشر نشده از استاد فقید دکتر ابوالقاسم گرچی ❖ هبه نامه
و وصیت نامه سید دلدار علی ❖ سه اجازه از بزرگان حله ❖ اجازه ابن ابی جمهور به سید حسن بن ابراهیم بن یوسف بن ابی شبانه
ببیت و پنج رساله در موضوع نذر بعد از وفات ❖ نگاهی به الاخبار الدخیله ❖ الاربعین فی امامه امیر المؤمنین ❖ آفاق نجف ❖
گزارش سفری به ریاض ❖ تصحیح اعیان الشیعه ❖ نامه شیخ آقا بزرگ تهرانی به آیه الله ملا محمد جواد صفای
نکته ها ❖ آثار نو یافته

کتاب پیوست: ملحق مال الاصل

نگاه به «الأخبار الدخيلة»

مرتضى ناصري

نظرة على كتاب الأخبار الدخيلة

يتناول هذا المقال بالدراسة والنقد أسلوب تحليل الأحاديث الذي اتبعه الشيخ محمد تقی الشوشتری في كتاب الأخبار الدخيلة. تبحث مقدمة المقال في ضرورة تصحيح نصوص الأحاديث للكشف عن حقيقتها، كما تقدم تعريفاً بالكتاب وطريقة تأليفه. بعد ذلك يشرح الكاتب في دراسته النقدية لأراء الشيخ محمد تقی الشوشتری من خلال بعض الأحاديث المفادنية في باب النسخ على الأئمة (الأسنى عشر ١٣٣٠)

چکیده: نگارنده، روش تحلیل احادیث را که شیخ محمد تقی شوشتری در کتاب الأخبار الدخيلة در بیش گرفته، نقد و بررسی می کند. مقدمه مقاله، درباره ضرورت تصحیح متن احادیث برای کشف حقیقت آنها و نیز درباره معرفی الأخبار الدخيلة و شیوه نگارش آن است. پس از آن، در مورد پنج حدیث درباره نصوص بردوازده امام به نقد و بررسی دیدگاه های شیخ محمد تقی شوشتری می پردازد. کلید واژه: الأخبار الدخيلة (کتاب)؛ شوشتری، محمد تقی؛ احادیث شیعه - ارزبایی؛ نصوص؛ امامت.

کتاب شماره ۲
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان (۱۳۸۹)

(المقدمه في كتاب / مجله)
نگاهی به «الأخبار الدخيلة»



مقدمه

الف) قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم السلام دو منبع آموزه‌های اسلام‌اند. از سوی دیگر، حقیقت احادیث در گرو اثبات «اصل صدور» و شناخت «جهت صدور» و فهم «مراد» آنهاست. جایگاه سه موضوع یادشده در دریافت تعالیم اسلام از حدیث، بسیار بلند است؛ به گونه‌ای که اعلم به طرق اثبات صدور حدیث، «کشف جهت صدور حدیث» و «فهم مراد حدیث» از مهم‌ترین مقدمات و معذات اجتهاد، محسوب شده و آشنایی با «رجال حدیث»، «معرفت کتب روایی»، «شناخت نسخ مختلف و تمییز اصح نسخ»، «معرفت به علل حدیث» و «آشنایی با انگیزه‌های وضع» و «خبرویت در مرجحات برای رفع تعارضات» بر مجتهد لازم شمرده شده است.^۱

۱. الفقه للخرزمین: ص ۶۸؛ الأصول العامة للفقه المقارن: ص ۵۵۱ - ۵۵۲.

تحقیق درباره اسانید و متون احادیث، از دیرباز میان دانشمندان شیعه متداول بوده است و آنان در کتابهای حدیثی، فقهی، اصولی و اعتقادی و گاهی در کتب درباره الحدیث بدان پرداخته‌اند که از نمونه‌های آن، الروايع السماوية، اثر میرداماد است. میرداماد در الروايع، علاوه بر تعاریف مصطلح الحدیث، گاه، به احادیث ذیل آن مصطلح اشاراتی کرده است. برای نمونه، در فصل حدیث مصحف، مثالهای بسیاری از احادیث مصحف کتابهای سنی و شیعه نقل کرده و تصحیفات آنها را نشان داده است.^۲

۲. مثلاً: الروايع السماوية: ص ۱۲۳ - ۱۵۷.

کتابهای دیگری که می‌توان تحقیقات دامنه دار دانشمندان شیعه را پیرامون اسناد و متن روایات در آنها دید، کتابهای شرح حدیث است. فیض در الوافی، مجلسی اول در شرح عربی و فارسی اش بر الفقیه، مجلسی دوم در شرح الکافی، یعنی مرآة العقول، و شرح التهذیب، یعنی ملاذ الاخیار، بدین مهم پرداخته‌اند و از جوانب مختلف، احادیث را کاویده‌اند و درباره علل و اضطرابات و تصحیفات احادیث سخن گفته‌اند. اینها همه با رعایت شأن حدیث و پاسداشت تلاشهای عالمان متقدم بوده است. برای مثال، مرحوم محمد تقی مجلسی پس از اشاره به تصحیفات و تحریفات موجود در برخی اخبار نوشته است:

در کتب حدیث، تصحیفات بسیار شده بود و سهوا شده بود. همه تصحیح شد؛ بدون آنکه اظهار غلط از کسی بکنم؛ چون دغدغه خبث می‌شود. و نقد رجال و اسانید حدیث به نحوی شده است که اغلاط غالطین ظاهر شده است بی‌تسمیه. و تا کسی نهایت تبخرو تنقیح نداشته باشد و نکرده باشد نمی‌یابد که من چه کرده‌ام. و غرض از ذکر این حاشیه این است که اخوان دین و خلائقین زود به زود، در مقام بحث و اعتراض در نیابند. و سهو و نسیان از لوازم بشریت است - [آل من عصى الله تعالى - اگر بعد از تأمل بر سهوی مطلق شوند، مستعدی آن است که قلم غفور بر آن کشیده، اصلاح فرمایند].^۳

۳. لواع صاحبقرانی: ج ۱، ص ۹.



کتاب شیعه [۲]
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان [۱۳۸۹]

[تقدیم عرفی کتاب/مجله]
بگامی به «اخبار الله علیه»



اینها همه حاکی از حساسیت و تصحیح متن حدیث است؛ کاری که نیازمند دقت و احتیاط و خیرویت بسیار است؛ تا جایی که شماری از دانشمندان اصلاح تحریفات و تصحیحات را در متن کتاب روا نداشته و توصیه کرده‌اند که این اصلاحات باید در حاشیه آورده شود و متن دست نخورده بماند؛ چرا که ممکن است آنچه تصحیف و تحریف به شماری رود، وجه درستی داشته و آن وجه درست به ذهن آن کسی که قلم اصلاح در دست گرفته، نرسیده باشد. شیخ عبدالله مامقانی پس از این نکته گفته است:

و کثیرا ما تری ما بتوفعه کثیر من اهل العلم خطأ وهو صواب ذووجه صحیح خفی.^۴

۴. تلخیص المفیاس، ص ۱۹۶-۱۹۷.
۵. مرید، مرحوم شوشتری در الاخبار الدخيلة به احادیث اهل سنت نیز پرداخته؛ لیکن بخش اعظم مطالب این کتاب درباره احادیث شیعه است.

ب) الاخبار الدخيلة، اثر علامه محمد تقی شوشتری (م ۱۳۷۴ ش)، کاوشی است درباره «علل» موجود در «اسناد» و «متن» احادیث و چنین تحقیق میسوی پیرامون احادیث شیعه، پیش و پس از آن انجام نشده است.^۵ تلاش مؤلف این اثر، عمدتاً، اثبات محض و موضوع بودن بعضی احادیث شیعه است؛ تلاشی که ظاهراً، به «کاسته شدن از اعتبار» یا «بی اعتباری» احادیث منقول در این کتاب، انجامیده است. مرحوم شوشتری، مطالب الاخبار الدخيلة را فوائد جلیل و گوهرهای گرانبهای اصیل و پژوهشهای برآزنده و بررسیهای آراسته‌ای خوانده که درباره احادیث محذوفه و اخبار موضوعه عرضه شده است.^۶

۶. الاخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱.

آنچه در این میان، شایسته پژوهش و سنجش است، «یقینی» یا «اطمینانی» بودن سخنانی است که محقق شوشتری به عنوان دلیل یا شاهد «تحریف» و «وضع» احادیث یاد کرده است. زیرا تنها در صورتی می‌توان حدیثی را موضوع خواند که مفاد آن با عقل، حش، نص قرآن، خبر متواتر و اجماع قطعی، مخالف باشد و تأویل صحیح متن آن ممکن نباشد.^۷

۷. تلخیص المفیاس، ص ۷۲-۷۳، علم الحدیث، ص ۹۱-۹۳.

همچنین، شرط معلل بودن خبر این است که وقوع سبب مُعلل به درجه «ظن غالب» برسد و چنانچه در ثبوت علت در یک حدیث، تردید وجود داشته باشد و عامل موجب موجب ظن در کار نباشد، باید «توقف» کرد.^۸

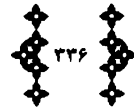
۸. الرعاية، ص ۱۳۹.

در این مقاله، کوشیده‌ام نشان دهم که ادله مرحوم شوشتری برای اثبات تحریف در احادیث و موضوعه بودن آنها در موارد بسیاری، «تکراری» است؛ مبتنی بر «ظلمات» است؛ برای اثبات مدعا کافی نیست و در صورت وارد بودن، با حجتیت و اعتبار آن احادیث منافات ندارد.

۹. بلاک پرومیس، ص ۴۳۲.

پیش از یادکرد شواهدی در اثبات دعوی مذکور، بخشهایی از نامه علامه شوشتری به شیخ نصرالله شبستری، صاحب اللؤلؤ النضید، نقل می‌شود. مرحوم شوشتری این نامه را به سال ۱۳۴۹ ش در پاسخ به برخی نقدهای مرحوم شبستری نوشته است.^۹ ظاهراً نامه‌های مرحوم شبستری در دست نیست؛ لیکن از پاسخهای علامه شوشتری به ایشان، موارد نقد روشن می‌شود. شوشتری





در این نامه ها متواضعانه برخی نقدها را پذیرفته است.

برای نمونه، علامه شوشتری ملاقات احمد بن اسحاق با امام زمان 'ازا در الاخبار الدخیله و قاموس الرجال انکار کرده بود؛ لیکن پس از نامه مرحوم شبستری، اشتباه خود را پذیرفت و آن را در چاپهای بعدی قاموس الرجال تصحیح کرد.^{۱۰}

علامه شوشتری در موضعی که به اشتباه یا سهری از دانشمندان شیعه، برخورد، از سهر و اشتباه آنان با واژگانی همچون «وهم»، «خلط» و «خیط» تعبیر کرده است، لیکن همان گونه که خود نیز نوشته است «البته، کتاب بی اشتباه کتاب خدا است»،^{۱۱} ایشان نیز از اشتباه مصون نمانده؛ اشتباهاتی که خود نیز در پاسخ به نامه شبستری، به آنها اعتراف کرده است:

مرفوم فرموده بودید در رساله موالید در ۲۰ / ۳۵ در تعیین روز ولادت حضرت خنمی مرتبت علیه السلام نوشته اید: «فی الثاني» و به نظر کلمه «عشر» یا از قلم افتاده و یا اعتمادا علی القرائن ذکر نشده.

درست است، از قلم افتاده، در نسخه خود و هفت - هشت نسخه دیگر بود، کلمه «عشر» را بر آنها اضافه نمودم. جناب عالی هم نسخه خود را اضافه فرمایید. این گونه امور را تذکر داده اید، موجب تشکر است. خیال دارد برای قاموس که به مجلد یازده ختم شده، دوازدهمی بنویسد که بر بعضی از عناوین یازده جلد، ملحقاتی نوشته و بعضی تصحیفات در آنها هست که در غلط نامه ذکر نشده و بعضی اشتباهات و کم و زیادهایی است که آقایان فضلا مند فرمایند. این جناب در احمد بن اسحاق تذکر داده اند، آنها را جلدی قرار دهد.^{۱۲}

آیضا مرفوم فرموده اید: در تولد [امام] هادی علیه السلام که نوشته اید: «و ابراهیم بن هاشم علی نقل الکشف»، آن در کشف (الفقه) نیست.

درست است. خواسته ام بنویسم: «علی نقل المصباح»، چون اسم کتب زیادی در نظر بوده، سهواً کشف نوشته شده؛ و الا به خود کشف نظم نمی آید که خود بنده مستقیماً مراجعه داشته باشم.^{۱۳}

اینک به عنوان نمونه فقط یک موضوع از نخستین باب الاخبار الدخیله را بررسی می کنیم.

پنج حدیث از احادیث دوازده امام الکافی

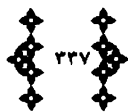
نخستین باب الاخبار الدخیله در باره احادیثی است که نزد مرحوم شوشتری، ضرورت مذهب گواه تحریف آنهاست. پنج حدیث نخست این باب، پنج حدیث از کتاب المحیبه الکافی، باب «ما جاء فی الاثنی عشر والنص علیهم» است. شیخ کلینی در این باب، بیست حدیث نقل کرده و از عنوانی که برای آن برگزیده، روشن می شود که مقصودش نقل احادیثی بوده که نشان

۱۰. ن. ش. بزرگان پژوهش، ص ۲۲۳، قاموس الرجال ج ۱ ص ۳۹۵ - ۳۹۶
۱۱. بزرگان پژوهش، ص ۲۲۲.

۱۲. بزرگان پژوهش، ص ۲۲۳ - ۲۲۴.

۱۳. همان، ص ۲۲۹.





می دهند تعداد آنه دوازده تاست. لیکن ظاهر پنج حدیث این باب موم این است که شمار
آنه سیزده خواهد بود. علامه شوشتری در فصل اول این باب، بدین پنج حدیث پرداخته و آن را
چنین نامیده است: «فی الأخبار التي تشهد ضرورة المذهب بتحريفها خمسة أخبار من الكافي
«فی باب ما جاء فی الاثنی عشر والنص علیهم، موهمة أن الأئمة ثلاثة عشر».

مخبر نخست

نخستین حدیث، هفدهمین حدیث از باب یادشده در الکافی است. این حدیث در اخبار الدخلة، اینگونه نقل شده است:

عن أبي سعيد، عن عمرو بن ثابت، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام قال: **وَقَالَ**
رَسُوْلُ اللهِ ﷺ : **وَأَنْتُمْ عِشْرَامَا مِنْ وَلَدِي وَآتَتْ بَا عِلِّيَّ الْأَرْضَ**، يعني أوتاهها و
 جبالها. **بِأَنْتُمْ أَتَدَّ الْأَرْضَ** أَنْ تَسِيْخَ وَاهْلِيْهَا. فَإِذَا ذَهَبَ الْإِنْسَانُ عَمْرُوهُ وَلَدِي سَاغَبَ
 الْأَرْضَ **بَاهْلِيْهَا وَلَمْ يَنْظُرْ** ١٧

ایشان یس از نقل حدیث نوشته است:

الخبر كما ترى مشتمل في موضعين على كون اثنى عشر اماماً من ولد النبي ﷺ
فيصيرون مع أمير المؤمنين (عليه السلام) ثلاثة عشر.^{١٥}

پیرزسی

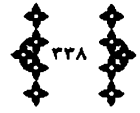
۱. در الکافی مطبوع مرحوم غفاری، «لفظ إماماً پس از واژه‌ای و أَتَمَّی عَشَرَه» بیامده است. ابن حدیث در الوافی، «مرأة العقول» و شرح مولی صالح مازندرانی «نیز بدون لفظ «إماماً» نقل شده است؛ از این رو، به احتمال زیاد، نسخه الکافی مرحوم شوشتری واژه إماماً را افزون داشته و این اشکال نسخه ایشان است و گردی بر دامان ابن حدیث نمی‌نشانند.

۲. فیض کاشانی، علم‌ه مجلسی ومولی صالح مازندرانی، نوشته‌اند که مقصود از این عبارت: «مِنْ وَلَدِی»، حضرت فاطمه علیها السلام ویا زاده امام از فرزندان آن حضرت است. (مدارک پیشین) همچنین، مرحوم مجلسی، پس از نقل این حدیث نوشته‌است: «فالانا عشر مع فاطمه علیها السلام أو أطلق الولد علی أميرالمؤمنین علیه السلام تعلیفاً».

بنابر این، معنای حدیث ابن است که پیامبر، امیرمؤمنان، فاطمه زهرا و یازده امام از فرزندان فاطمه زهرا ماهی حیات و بقای مردمانند و مدلول حدیث، هرگز این نخواهد بود که ائمه سیزده تن اند. به همین سبب، ابن حدیث هیچ مخالفت و تضادی با ضرورت تشیع، یعنی دوازده نفر بودن امامان، ندارد.¹¹

۳. ابن حدیث در الغیبه شیخ طوسی، به سندی دیگر، نقل شده؛ لیکن در آغاز آن به جای اثنی عشر من؛ ولدی، «أحد عشر من ولدی» آمده است.^{۲۱}





۴. شیخ کلینی این حدیث را از اصل «ابوسعید عصفری» نقل کرده است^{۲۲} محقق شوشتری پس از یادآوری این نکته، گفته است: عصفری این حدیث را در اصل خود نقل کرده و در هر دو جا، به جای اثنا عشر، أحد عشر آورده است.

مرحوم شوشتری نقل اصل عصفری را صحیح و نقل الکافی را تحریف شده دانسته است.^{۲۳}

۵. آنچه مرحوم شوشتری گفته، برخلاف دعوی ایشان در مقدمه الاخبار الدخیله، نکته ای است که پیش از ایشان، دانشمندان شیعه، نظیر فیض کاشانی، شیخ حر عاملی و علامه مجلسی، متذکر شده اند و در پاسخ بدین اشکال ظاهری، وجوهی را مطرح کرده اند. جالب تر اینکه بنا بر گزارش مرحوم شیخ حر، این پرسش درباره حدیث یاد شده، از پرسشهایی بوده که در میان اهل علم و فضل شهر طوس نیز مطرح بوده و اساساً شیخ جز الفوائد الطوسیه را در پاسخ به پرسشهایی از این دست نوشته است:

الفوائد الطوسیه فی حلّ بعض الأحادیث المشکله. و فراند فی تحقیق بعض المسائل المعضله التي كان يسألني فی طوس عنها بعض أهل العلم والکمال.^{۲۴}

نتیجه اینکه اولاً، در هیچ بخشی از این حدیث، سخنی حاکی از سیزده تن بودن ائمه وجود ندارد؛ ثانیاً، می توان گفت که حدیث منقول در کافي، همان حدیثی است که در اصل عصفری آمده، ولی بعدها به سبب اشتباهات و خطاهای نسخه نویسان و کاتبان، أحد عشر به اثنا عشر تصحیف شده است. زیرا چگونگی می شود مرحوم کلینی بابتی در کافي بگشاید و عنوانی برای آن برگزیند که نشان دهد ائمه دوازده تن هستند، آن گاه، حدیثی در آن باب بیاورد که ناقض غرض او باشد؟! بنا بر همه اینها، حدیث مورد بحث، اصل و نسب صحیحی دارد و هرگز حدیثی دخیل، چه به معنای وارداتی و چه به معنای معیوب، نخواهد بود. نکته آخر اینکه بنا بر آنچه در تعریف حدیث معلل گذشت، اگر اسباب علت حدیث، موجب «ظن غالب» نشود، باید توقف کرد.

خبر دوم

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ وَلَدِي اثْنَا عَشَرَ نَبِيًّا، نَبِيًّا مَخْدُونٌ مُفْتَقَرٌ أَجْزَعُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يَمْلُوهَا عَذْلًا مَا مُنْتُ جَزُؤًا.^{۲۵}

مرحوم شوشتری پس از نقل این حدیث نوشته است: «هو أيضاً كالسابق والصواب أيضاً ما في أصل أبي سعيد «من ولدي أحد عشر» الخيرة»^{۲۶}

پروسی

۱. در الکافی، الوافی، مرآة العقول و الفوائد الطوسیه، به جای اثنا عشر نَبیّاء، «اثنا عشر نَبیّاً» آمده و افزون بر این، ظاهراً، اثنا عشر نَبیّاء بنا بر قواعد ادبی نیز نادرست است.

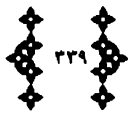
۲۲. اصل ابوسعید عصفری، در کتاب «افصول السنن» اثر ابن الاثیر، در رقم چاپ شده است. ۲۳. الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۱۰۴، نیز در کتاب «معالم المدرستین» ج ۳، ص ۱۶۴ - ۱۶۵ و «تذکره الکرام و روایات المدرستین» ج ۳، ص ۲۷.

۲۴. الفوائد الطوسیه، ص ۹.

۲۵. الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۶.

۲۶. همان، ج ۱، ص ۶.





۲. شیخ حرعاملی پس از نقل این دو حدیث می‌نویسد:

ظاهر هذه الأخبار ببل الخبر الأول خاصة، يستلزم كون الأئمة ثلاثة عشر ویرده النصوص المتواترة.^{۲۸}

بنابراین، این اشکال را پیش از مرحوم شوشتری شیخ حرعاملی - و نیز دیگران - مطرح کرده‌اند؛ لیکن شیخ حرز به ذکر توجیهاتی پرداخته و حدیث را محذوف نخوانده است:

ممکن است اطلاق فرزند بر علی بن ابی طالب، از باب تغلیب باشد... همچنین، محتمل است در اینجا، اطلاق امامت بر امامان یازده‌گانه به وجه حقیقی و یروفاطمه زهرا علیها السلام به وجه مجازی - باشد؛ زیرا آن حضرت نیز معصوم و سخنش حجت و طاعتش واجب است، ولذا می‌توان مجازاً وی را امام خواند.^{۲۹}

۳. مرحوم مجلسی نوشته است:

يحتمل هنا أيضاً كون الاثني عشر باعتبار فاطمة عليها السلام وإن كان بعيداً باعتبار النقابة.^{۳۰}

۴. مولی صالح مازندرانی نوشته است:

قوله: «من ولدي اثنا عشر تنقيهاً» من باب التغليب؛ وأطلق الولد على علي عليه السلام مجازاً.^{۳۱}

۵. در تقریب المعارف، ابوالصلاح حلبی (م ۴۴۷)، به جای من ولدی، من أهل بیتی است.^{۳۲}
این شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸)، محقق حلی (م ۶۷۶) و شهید اول (م ۷۸۶) نیز این حدیث را با عبارت «من أهل بیتی» نقل کرده‌اند.^{۳۳} بنابراین، ممکن است «من ولدي» تصحیف «من أهل بیتی» باشد.

۶. علامه شوشتری پس از نقل این حدیث، می‌نویسد:

مرحوم کلینی این حدیث را از اصل ابوسعید عصفری نقل کرده و در اصل عصفری، به جای من ولدي اثنا عشر من ولدي أحد عشر آمده و صحیح این حدیث، مطابق نقل اصل عصفری است و حدیث در الکافی، دچار تحریف شده است.^{۳۴}

مرحوم علامه عسکری نیز، مطلب فوق را یاد کرده و پس از آن نوشته است:

ولا يحتاج هذا البيان إلى استدلال عليه؛ لأن الكليني إنما روى في الكافي عن أصل المصنف ونرى أن الخطأ من قلم النسخ.^{۳۵}

حضرت آیت الله طیف الله صافی گلپایگانی (دامت برکاته) نیز مصدر این روایت را اصل عصفری و نقل الکافی را تصحیف شده این روایت دانسته‌اند.^{۳۶}

۲۸. الفوائد الطوبى، ص ۱۳۶.

۲۹. همان، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۳۰. مرآة العقول ج ۶، ص ۲۳۳.

۳۱. شرح أصول الکافی ج ۷، ص ۳۸۱.

۳۲. تقریب المعارف، ص ۱۷۶.

۳۳. منشأ القرآن ج ۲، ص ۵۴؛ المناقب ج ۱، ص ۱۰۰؛ المغنیه ج ۱، ص ۱۲۴؛ الذکری، ص ۶.

۳۴. الأخبار الدخيلة ج ۱، ص ۴.

۳۵. معالم المدرستين ج ۳، ص ۲۶۶.

۳۶. لمحات، ص ۲۲۹.





بنا بر این، اولاً صورت کنونی حدیث در الکافی، قابل توجیه به محملی صحیح است؛ ثانیاً، ممکن است «من ولدی» تصحیف شده «من أهل بیته» باشد؛ ثالثاً، محتمل است که «انشاعره مصحف» «أحد عشر» باشد و رابعاً، پیش از مرحوم شوشتری کسانی مانند مجلسی و شیخ حرّان را مطرح کرده‌اند؛ با این تفاوت که این دانشمندان کوشیده‌اند متن حدیث را توجیه کنند و به محزف بودنش حکم نکنند.

خبر سوم

... عَنْ ابْنِ مَعْبُودٍ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَبَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِهَا فَقَدَدْتُ أَنْفِي غَضْرًا حِزْمًا ثَلَاثَةً ثَلَاثَةً مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ ^{۳۷}

۳۷. الکافی ج ۱، ص ۵۳۲ ح ۹.

مرحوم شوشتری پس از نقل این حدیث می‌نویسد:

وهو أيضاً كما ترى مشتمل على كون انشاءه من ولد فاطمة عليها السلام؛ فيصيرون مع أمير المؤمنين عليه السلام أيضاً ثلاثة عشر ^{۳۸}

۳۸. الأخبار الدخيلة ج ۱، ص ۲.

ایشان می‌افزاید که صورت صحیح این روایت، همانی است که شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا عليه السلام، اکمال الدین والخصال، نقل کرده که در آنها عبارت من ولدها نیامده است. اشکال دیگر این حدیث نزد مرحوم شوشتری، این است که مطابق آن، نام سه تن از ائمه علی است؛ در حالی که چهارتن از امامان، علی نام دارند. ^{۳۹}

۳۹. الأخبار الدخيلة ج ۱، ص ۱۳؛ بزرگ، لمحات، ص ۲۲۰.

علامه عسکری معتقد است که مقایسه این حدیث در الکافی با نقل ناقلان حدیث از کلبی، یعنی صدوق و مفید و طبرسی، نشان می‌دهد که نشاخ الکافی پس از عصر شیخ مفید در کتابت این حدیث، خطا کرده‌اند. ^{۴۰}

۴۰. معالم المحدثین ج ۲، ص ۱۶۲ - ۱۶۳.

بررسی

۱. علامه مجلسی، ذیل عبارت من ولدها گوید:

قوله: من ولدها؛ أي: الأحد عشر؛ أو على المجاز والتغليب كما مر؛ وعلى الأول، فقوله: فعددت، الفاء فيه للتفريع؛ أي: فضممت إليهم أباهم وأصلهم فصاروا معي اثني عشر ^{۴۱}

۴۱. مرآة العقول ج ۶، ص ۲۸۸.

۲. مولی صالح مازندرانی نیز در شرح این حدیث گفته است:

قوله «فعددت اثني عشر» أي: فعددت الأوصياء أو أسماءهم جميعاً اثني عشر فلا ينافي هذا قوله من ولدها؛ لأن الأول باعتبار البعض والثاني باعتبار الجميع ^{۴۲}

۴۲. شرح أصول الکافی ج ۷، ص ۳۳۳.

یعنی مقصود از «دوازده نفره کُلّ اوصیاء» و «از فرزندان فاطمه»، بعضی از آنهاست.





۳. مولی صالح مازندرانی درباره دومین اشکال مربوط به این حدیث می نویسد:

قوله «ثلاثة منهم علي» أي: ثلاثة من ولدها؛ فلإنافي هذا أنَّ علياً أربعة. ۲۲

اگر من ولدها جزء حدیث زائد باشد، توجیه مولی صالح کاملاً درست است و اشکال را برطرف می کند. مرحوم مجلسی نیز می گوید:

أي من الأولاد لأن الجميع، فإن المسمى بعلي من الجميع أربعة.

والظاهر أنَّ النصَّيف من النسخ؛ فإنه روى الصدوق في الإكمال والمعيون والغيبه والشيخ في الغيبة بهذا الإسناد عن جابر وفيها جميعاً وفي غيرها من الكتب؛ وأربعة منهم علي. ۲۳

از این رو، با توجه به اینکه شیخ صدوق نیز این حدیث را در سه کتاب خود با اسنادی مطابق اسناد شیخ کلینی نقل کرده ۲۴ آنچه در کافی رخ داده، تنها تصحیفی است که نسخه نویسن مرتکب آن شده است. جالب توجه، این که نه تنها پیش از مرحوم شوشتری علامه مجلسی این اشکال را مطرح کرده، بلکه پاسخ مرحوم شوشتری (یعنی صحت نقل این روایت در سه کتاب صدوق و تصحیف ناسخان) نیز همان سخنی است که مجلسی پیشتر آن را بیان کرده است.

خبر چهارم

عَنْ زُرَّارَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: «إِثْنَا عَشَرَ الْإِمَامَ [الأخبار الدخيلة: إماماً] مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ كُلَّهُمْ مَحْدَثٌ مِنْ وَلَدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوُلِدَ عَلِيٌّ بِنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَسُولُ اللَّهِ وَعَلِيٌّ هُمَا الْوَالِدَانِ.» ۲۵

این حدیث به همین عبارت، در بصائر الدرجات (ص ۳۲۰) آمده و شیخ طوسی نیز آن را به همین صورت، از کلینی نقل کرده است. ۲۶

مرحوم شوشتری پس از اشاره به احادیث کافی و الغیبه می نویسد: «والكل محذوف؛ لاشتمالها على الكون الاثني عشر غير أمير المؤمنين عليه السلام». ۲۷ سپس می افزاید که شکل درست این روایت، همان است که صدوق در الخصال و المعیون، و مفید در الارشاد، از کلینی، نقل کرده اند: ۲۸

عن زرارَةَ قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: «إثنا عشر الأئمة من آل محمد كلهم محدث؛ علي بن أبي طالب وأحد عشر من ولده. ورسول الله وعلي هما الوالدان.» ۲۹
عن زرارَةَ بن أعين قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: نحن اثنا عشر إماماً من آل محمد كلهم محدثون بعد رسول الله صلى الله عليه وآله وعلي بن أبي طالب منهم. ۳۰

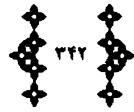
بررسی

مرحوم مجلسی و مولی صالح معتقدند «من ولد رسول الله» نشان دهنده این است که بیشتر

کتاب شیعہ (۲)
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان (۱۳۸۹)

[نقد و بررسی کتاب/مجله]
نگاهی به «الأخبار الدخيلة»





امامان، فرزندان رسول خدايند: «هذا الحكم باعتبار الأكثر».^{۵۲}

صرف نظر از درستی یا نادرستی این توجیه، با بهره‌گیری از سخنان علامه شوشتری، می‌توان گفت که کاتبان الکافی، پس از عصر شیخ مفید، در کثابت این حدیث دچار خطا شده‌اند؛ لیکن در برخورد با چنین خطایی، به جای اینکه گفته شود: «این حدیث به دست تحریف‌گرانی تحریف شده است» بهتر است بگوییم: «کاتبان خطا کرده‌اند.» نکته دیگر اینکه، این اشکال نیز کشف جدیدی از محقق شوشتری به شمار نمی‌رود.

خبر پنجم

...عن أبي سعيد الخدري... قال أمير المؤمنين عليه السلام: إن لهذه الأمة أئمةً أنبياءاً مَهْدَى مِنْ دُرِّيَّةٍ نَبِيَّهَا وَهُمْ بَيْتِي... وَأَمَّا مَنْزِلُ نَبِيِّنَا فِي الْخَلْقِ فَعَبْدُ اللَّهِ وَأَشْرَفُهَا جَنَّةُ عَذْنٍ وَلَقَدْ مَنَّ اللَّهُ فِي مَنْزِلِهِ فِيهَا فَهَؤُلَاءِ الْأَشْوَاعُ عَشْرُ مَنْ دُرِّيَّةٍ وَأَتَمُّهُمْ وَجَدْتُهُمْ وَأَمُّ أُنْهَمُ وَذُرَارَتُهُمْ لَا يَشْرِكُهُمْ فِيهَا أَحَدٌ.^{۵۳}

علامه شوشتری پس از نقل این حدیث از کافی و اشاره به نقل آن در غیبت می‌نویسد:

وهو أيضاً كما ترى مشتمل في موضعين على كون الاثنا عشر من دُرِّيَّةِ النبي؛ فهو محرف. والصواب زيادة فقرة «بَيْنَ دُرِّيَّةِ نَبِيِّهَا وَهُمْ بَيْتِي» في الموضع الأول وزيادة كلمة «بَيْنَ دُرِّيَّةِ» في الموضع الثاني.^{۵۴}

مرحوم شوشتری در ادامه، یادآوری‌شده که مضمون این خبر از شش طریق دیگر در کتابهای الکافی، کلینی، الغیبه نعمانی و کمال الدین، العیون والخصال شیخ صدوق، نقل شده است که هیچ کدام از آنها عبارات فوق را - که موجب اشکال شده - ندارند.

بررسی

نخستین نکته درسخن مرحوم شوشتری، مانند موارد پیش، تکراری بودن آن است. مولی صالح مازندرانسی و علامه مجلسی پیش از ایشان، بدین اشکال متفطن شده‌اند و هر یک در پاسخ به آن سخنانی گفته‌اند.^{۵۵}

دیگر اینکه برپایه سخن محقق شوشتری، یعنی نقل بدون اشکال این حدیث از شش طریق دیگر، روشن می‌شود که در اینجا نیز حدیث مورد بحث، اصلی دارد که با توجه به آن، می‌توان دریافت که در دو موضع، عباراتی بدان افزوده شده است. افزون بر این، توجه به اینکه کلینی این حدیث را در چه بابی و به چه هدفی نقل کرده است، نشان می‌دهد که اشکال مذکور برخاسته از خطای کاتب است.

۵۲. شرح اصول الکافی، ج ۷، ص ۳۷۰، زیر بحث، مراد؛ المقول، ج ۶، ص ۲۲۳.

۵۳. الکافی، ج ۱، ص ۵۳۱ - ۵۳۲، ح ۸۰، الغیبه، ص ۹۷.

۵۴. لأصحاب الأئمة، ج ۱، ص ۷. شرح اصول الکافی، ج ۷، ص ۳۷۳، مراد؛ المقول، ج ۶، ص ۲۲۵ - ۲۲۷، بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۸۱.





نتایج

پژوهشها و روشکافیهای محقق شوشتری درباره اخبار، نشان می‌دهد که کار با احادیث و کتب حدیثی کاری است بس حساس و دقیق و نیازمند آگاهیهای متنوع و بسیار در زمینه‌های ادبی، کلامی، تفسیری، اصولی، فقهی، تاریخی، رجال، طبقات روات، مؤلفان، مصنفان، مصادر معتقد و وجوه متأخر افزون بر اینها، شناخت «زبان» روایات و آشنایی با مبانی معتقد و شناخت روشهای متأخران نیز ضروری است.

برای تحقیق در موضوعی، باید به تمام احادیث آن موضوع مراجعه، و به مجموعه احادیث آن موضوع، نگاه جمعی کرد.

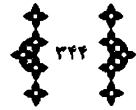
نیز رجوع به مصادر اصلی از ضروریات چنین تحقیقی است. البته همه اینها باید در کنار دقت، احتیاط، شکیبایی و پرهیز از شتابزدگی در داوری باشد و هر نتیجه‌ای با تحقیقات و نتایج محققان پیشین، مقایسه شود.

اما آنچه از بررسی نمونه‌هایی از سخنان محقق شوشتری درباره اخبار منقول در الاخبار الدخيلة به دست می‌آید، نکات زیر است:

۱. بسیاری از مطالب الاخبار الدخيلة بدیع نیست و بیشتر از سوی دانشمندان شیعه گفته شده است.
۲. سخنان یاد شده در جهت اثبات تحریف در احادیث و موضوعه بودن آنها در الاخبار الدخيلة وافی به مقصود نیست.
۳. اشکال محقق شوشتری درباره بسیاری از احادیث، مبتنی بر رأی و استنباط و ذوق شخصی آن مرحوم و از قبیل ظنّیات است.
۴. در بسیاری از موارد به فرض وارد بودن اشکالات ایشان به احادیث، با حجّت و اعتبار آن احادیث منافات ندارد.

۵. یکی از نکاتی که در تحقیقات محقق شوشتری بدان توجه کافی نشده، مقصود مؤلفان کتابها از نقل دسته‌ای از روایات بوده است. برای مثال، شیخ صدوق در کمال الدین باب «ذکر من شاهد القائم وره و کلمه» را گشوده و در آن، بیش از بیست روایت نقل کرده است. شیخ صدوق این روایات را به عنوان گواه صحت مشاهده قائم آل محمد علیهم‌السلام و مکالمه مردمان با او، نقل کرده که اثبات این مطلب، دلیلی خواهد بود بر وجود امام حجت و حاضر؛ تا شیعیان از این طریق، غیبت حضرتش را به معنای فقدان وی ندانند و در ایمان و اعتقاد به ایشان، استوار و پابرجا بمانند. از این رو، ضعف واضطراب موجود در یک یا چند روایت از این دسته روایات، با دیگر روایات منقول در این باب، جبران می‌شود و خللی در تحقق هدف کلی نقل آنها پدید نمی‌آورد. توجه بدین نکته، به جای «طرده» روایت، تلاش برای توجه صحیح ضعف واضطراب موجود





در آن رادرسى خواهد داشت. در اين ميان، اگر ضعف و علت واضطراب يك خبر، به گونه اى باشد كه توجيه صحيح آن ممكن نباشد، آن خبر از اعتبار خواهد افتاد. البته عدم احراز اعتبار و حجيت يك خبر، هرگز به معناى موضوع بودن آن نيست.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. الاخبار الدخيلة؛ تهران: مكتبة الصدوق، مجلدات اول وسوم، ۱۴۰۱ ق، مجلد دوم، ۱۳۹۶ ق، مجلد چهارم، ۱۳۶۵ ش.
۲. الأصول العائنه للفقہ المقارن، حكيم، سيد محمّد تقى؛ المجمع العالمى لاهل البيت ع، ۱۴۱۸ ق.
۳. الرعايه فى علم الدرايه؛ عاملى، زين الدين بن على؛ قم: كتابخانه آيت الله مرعشى، ۱۴۱۳ ق.
۴. الرواضح السماويه؛ حسينى مرعشى، مير محمّد باقر؛ قم: كتابخانه آيت الله مرعشى، ۱۴۰۵ ق.
۵. الفقيه؛ طوسى، محمّد بن حسن؛ تهران: مكتبة نينوى الحديثه.
۶. الفقيه؛ نعمانى، محمّد بن ابراهيم؛ تهران: مكتبة الصدوق، ۱۳۹۷ ق.
۷. الفقه للمفتريين، حكيم، عبد الهادى محمّد تقى؛ قم: مكتب آيت الله السيستانى، ۱۴۱۹ ق.
۸. الفوائد الطوسيه؛ عاملى، حجاز؛ قم: المطبعة العلميه، ۱۴۰۲ ق.
۹. القرآن الكريم و روايات المدرستين؛ عسكرى، سيد مرتضى؛ تهران: دانشكده اصول الدين، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. الكافي؛ كلينى، محمّد بن يعقوب؛ تهران: دار الكتب الاسلاميه، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. بحار الانوار؛ مجلسى، محمّد باقر؛ بيروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۲ ق.
۱۲. پژواك يزوهش؛ طالعى، عبدالحسين؛ دفتر دوم جنگ انجمن فهرست نگاران نسخه هاى خطى، قم: مجمع ذخائر اسلامى، ۱۳۸۹ ش.
۱۳. تلخيص مقياس الهدايه؛ مامقانى، عبدالله؛ تهران: دانشگاه امام صادق ع، ۱۳۶۹ ش.
۱۴. قاموس الرجال، خوشترى، محمد تقى؛ قم: جامعه مدرسين.
۱۵. كمال الدين؛ صدوق، محمّد بن بابويه؛ قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۵ ق.
۱۶. لواعص صاحبقرانى؛ مجلسى، محمّد تقى؛ قم: مؤسسه اسماعيليان، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. مرآة العقول؛ مجلسى، محمّد باقر؛ تهران: دار الكتب الاسلاميه، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. مصباح المتعبد؛ طوسى، محمّد بن حسن؛ بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ۱۴۱۱ ق.
۱۹. معالم المدرستين؛ عسكرى، سيد مرتضى؛ بيروت: مؤسسة النعمان، ۱۴۱۰ ق.

